

شعر معاصر ایرانیا

گردآوری و برگردان:

دکتر محمدحسین رمضان کیایی

(عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

۱۶٪

تهران، ۱۴۰۱

سرشناسه	: رمضان کیایی، محمدحسین، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: شعر معاصر ایتالیا/ گردآوری و برگردان محمدحسین رمضان کیایی.
مشخصات نشر	: تهران: بوی کاغذ، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۹۸ ص.
شابک	: 978-622-6070-75-1
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر ایتالیایی- ترجمه شده به فارسی - مجموعه‌ها
موضوع	: Italian poetry -- Translation into Persian -- Collections
رده بندی کنگره	: PQ۴۲۲۵
رده بندی دیویی	: ۸۵۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۹۷۳۶۶۱

تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان سلیمان‌خاطر، کوچه مسجد، شماره ۱۹.



نشر بوی کاغذ

طبقه اول، واحد سه، کدپستی: ۱۵۷۸۷۱۵۹۱۴

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۱۹۱۶۴ تلفن همراه: ۰۹۲۱۲۵۷۶۵۹۳

رایانامه: info@booka.ir | تارنما: www.booka.ir

شعر معاصر ایتالیا

گردآوری و برگردان:

دکتر محمدحسین رمضان کیایی

(عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران)

چاپ: اول، ۱۴۰۱ | مدیر تولید: احمد رضانی | چاپ و صحافی: هنگام

شمارگان: ۵۰۰ نسخه | شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۷۰-۷۵-۱

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست اشعار

- پیش‌گفتار ۷
- زنان چون درختانی ناآرام / سیلوانو آگوستی ۱۱
- خورشیدی در پس این خورشید است / سیلوانو آگوستی ۱۲
- آیا بر این باوری / آنتولا آندا ۱۴
- اگر که نوشتیم / آنتولا آندا ۱۶
- سرما کمتر خوشایند است / لورا اچربونی ۱۸
- دیروز / لورا اچربونی ۱۹
- تمام شب / جوزپه اونگارتی ۲۱
- از آن همه منزل / جوزپه اونگارتی ۲۲
- از کدام رسته‌اید / جوزپه اونگارتی ۲۳
- ما نیازمند انسانیم / کارلو بتوکی ۲۴
- تنهایم مگذار / آتیلیو برتولوچی ۲۶
- شاید خدایی نباشد / اومبرتو بلینتانی ۲۸
- هنر زاده نور است و شرنگ / آریگو بوئیتو ۳۰
- امروز یکشنبه است / پیر پائولو پازولینی ۳۲
- اما ما باید ادامه دهیم / الیو پالیارانی ۳۴
- مرگ خواهد آمد / چزاره پاوزه ۳۵

- ۳۷ کف داستان گشوده‌ات / الیو پکورا
- ۳۹ برهوتی ست رود / ساندر پنا
- ۴۰ تنها در دریاچه‌ای محصور / ساندر پنا
- ۴۱ امروز صدای تو محو می‌شود / ساندر پنا
- ۴۲ خوشبخت کسی که متفاوت است / ساندر پنا
- ۴۳ من می‌اندیشم / روبرتا داپونت
- ۴۶ کلبه و دشت‌های فراخ اطرافش / آتورا داگوستینو
- ۴۸ از این مردم خودنما / جانی دلپا
- ۵۰ سکوت پیشه کنید! / جوانی رابونی
- ۵۲ بازگشت به سرزمین خاطرات گذشته / میکلا زانارلا
- ۵۴ رویاها سبک‌بالند / آندره‌آ زانوتو
- ۵۶ آی... درد / اومبرتو سابا
- ۵۸ عصرگاه ماه فوریه / اومبرتو سابا
- ۶۰ دستهایت را / ویتوریو سرنی
- ۶۱ خاطرات تو در من / ویتوریو سرنی
- ۶۳ دیگر از خودت دفاع مکن / فرانکو فورتینی
- ۶۵ یک درخت / جورجو کاپرونی
- ۶۶ به ندرت می‌شود / پیرلوییچی کاپلو
- ۶۸ کجاست آشیانه مرغان دریایی / وینچنزو کاردارلی
- ۷۰ زنان در اندرون ماندند / رافائل کاریری

- برف / کریستینا کامپو ۷۱
- سبک‌بال باش / جانکارلو کانسونی ۷۳
- حتی آن هنگام / پاتریزیا کاوالی ۷۴
- اگر که می‌توانم ببخشم / پاتریزیا کاوالی ۷۶
- رازها و سکوت / ویرنا کساری ۷۸
- باران دیگر با ماست / سالواتوره کوآزیمودو ۸۰
- هر کسی تنها / سالواتوره کوآزیمودو ۸۲
- مه سرخگون / آلفونسو گاتو ۸۳
- نبود اگر آسمان روشن روز / ماریانجلا گوالتیری ۸۴
- شگفتی در خنده انسان است / ماریانجلا گوالتیری ۸۵
- دوست دارم خودم را به تاراج فراموشی بسپارم / فرانکو لوی ۸۶
- ما کوچکیم / فرانکو لوی ۸۸
- چقدر گفته شد / فرانکو مارکوالدی ۹۰
- میلم به دیدن تو بود / جورجو مانگانلی ۹۲
- عشق خطر کردن است در پی خوردن / آلدو مرینی ۹۴
- شب باشکوه‌ترین است / آلدو مرینی ۹۵
- شادان باش آن هنگام که باد در باغستان می‌پیچد / اوجینو مونتاله ... ۹۷
- لحظه‌ای به من گوش سپار / اوجینو مونتاله ۹۹

پیش‌گفتار

زمانی که کاردینال رنسانسی و نظریه‌پرداز و ادیب ایتالیایی، پیتر بومبو^۱، به این نتیجه رسید که ادبیات ایتالیا در حوزه شعر می‌بایستی فرانچسکو پترارکا^۲، شاعر شهیر ایتالیایی، را الگوی خود قرار دهد هرگز به این فکر نکرده بود که آینده شعر ایتالیا مسیری را پیش خواهد گرفت که با ایده‌آل‌های او تفاوت بسیار خواهد داشت. از دلایل اصلی که بومبو برشمرده بود و بر مبنای آن شیوه شعری پترارکا را شایسته الگو شدن معرفی کرده بود همانا فصاحت و بلاغت در توصیف فضا و بروز احساسات درونی بود. پترارکا با ابزار همین فصاحت و بلاغت هم شوق برآمده از احساس ژرف عاشقانه را در سینه می‌پروراند و هم پیامد تلخ دور ماندن از معشوق را از سر می‌گذراند. ادبیات ایتالیا دوره‌های پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشت و اگرچه هرگز چهره‌های شاخصی چون دانته آلیگیری^۳، خالق اثر بزرگ *کمدی الهی*، و پترارکا را به جهان فرهنگ و ادبیات معرفی نکرد؛ اما دستش نیز خالی نماند و ظهور هر از گاه چهره‌های درخشانی چون جاکومو لئوپاردی^۴ این امید را زنده نگاهداشت که طلیعه‌داران شعر ایتالیا بی‌پیرو نمی‌مانند.

کاردوچی^۵، شاعر ملی ایتالیا و اولین ادیب ایتالیایی برنده جایزه ادبی نوبل،

1. Pietro Bembo (1470-1547)
2. Francesco Petrarca (1304-1374)
3. Dante Alighieri (1265-1321)
4. Giacomo Leopardi (1798-1837)
5. Giosuè Carducci (1835-1907)

شعری دارد به غایت زیبا و دلنشین: «درد کهن!» سبک نگارش از تازگی و انرژی خاصی برخوردار است و این نکته آنجایی جلب نظر می‌کند که دانسته شود جایزه ادبی نوبل نیز به دلیل همین ویژگی به کار گرفته شده در شعر به او تعلق گرفت. شعر امتزاج عجیبی از رنگ‌هاست؛ سیاه و سفید و قرمز و سبز در برابر هم قرار گرفته‌اند. دو جبهه متفاوت از رنگ‌ها دو حس متمایز از هم را نماینده‌اند و در عین حال دو دوره متمایز را به تصویر می‌کشند. فراتر از این جدال و دودستگی رنگ و زمان، احساس شاعر با قدرت و انرژی چشم‌نوازی فوران می‌کند. زیر و بم احساسات شاعر با به میدان آمدن هر رنگ به روشنی قابل فهم است. انگار دو حریف و دو رقیب‌اند که هر یک به میدان آمده و با رقصی حماسی حضور دیگری را به چالش می‌کشد. پیش‌تر دانه و پترارک نیز رنگ را به بازی گرفته بودند. دانه در دفتر سوم *کمدی الهی* یعنی بهشت با بر شمردن رنگ‌ها به توصیف فضا می‌پردازد و پترارک نیز گاه به تابش شعاع خورشید بر گیسوان طلایی معشوق خود *لائورا*^۱ اشاره می‌کند. اما باید پذیرفت که هر دو شاعر کلاسیک بیشتر با کلام به توصیف رنگ می‌پردازند اما کاردوچی با احساس خود به رنگ‌ها حضور می‌بخشد. رویه‌ای چنین در شعر سان مارتینو^۲ نیز پیش گرفته می‌شود و بهانه‌ای دست می‌دهد که دیگر سروده‌های کاردوچی نه خواندنی، که احساس‌کردنی شوند. به همین دلیل است که کروچه^۳، این نقاد بزرگ ادبی، در توصیف بزرگی شعر کاردوچی می‌گوید: «... او به همه انسان‌ها ایده‌الی را عرضه می‌کند که می‌تواند به منصفه ظهور برسد.» شعر معاصر ایتالیا دغدغه‌مند است، شعر برادرانی است که به ناچار بایستی در رسته‌هایی روبه‌روی هم و نسبت به هم سوءظن داشته باشند؛ شعر کسانی است که انسان‌شان آرزوست؛ فلسفه است؛ جامعه‌شناسی است. شعری است که تبعات ناشی از دو جنگ بزرگ را بر دوش می‌کشد؛ سروده‌ای است که جست‌وجو و تلاش بیهوده انسان معاصر را در یافتن معنی‌ای ملموس برای زندگی منعکس می‌کند؛

-
1. Laura
 2. San Martino
 3. Benedetto Croce (1866-1952)

شعری است که زخم عمیق وارد آمده از جهان صنعتی را بر شانه دارد. اگر مضامین عرفان‌گونه سروده‌های آlda مرینی^۱ را وانهیم، می‌توان گفت که شعر معاصر ایتالیا، در مقایسه‌ای اجتناب‌ناپذیر با شعر شاعران کلاسیک و میانه، در شکل زیبا نیست اما پر از حرف است، پر از نکته‌هایی است که فهم هر یک از آن گوشه‌ای نهفته از زندگی انسان امروزی را بر ملا می‌سازد و زاویه دید تازه‌ای را به ما می‌نمایاند. این شعر توصیف و پیام را وانهاده و مستقیم وارد عمل می‌شود. شاعر دیگر توصیه نمی‌کند و پیام نمی‌دهد که چه باید کرد، بلکه خود در قامت یک قربانی وارد عرصه عمل می‌شود و شکست یا پیروزی را با توضیح تجربه خود روایت می‌کند. به همین دلیلی می‌توان گفت که شعر معاصر ایتالیا اگرچه چون هم‌تایان کلاسیک خود زیبا سروده نشده، اما خواندنی است و می‌توان از آن درس‌ها آموخت.

مجموعه حاضر منتخبی از شعر شاعران معاصر ایتالیاست، عده‌ای از آنان هنوز در قید حیات هستند و زیستن را تجربه می‌کنند (مانا مانند و ماندگار). تلاش بسیاری صورت گرفته است که همه شاعران تأثیرگذار معاصر ایتالیا شعری در این مجموعه داشته باشند و این مجموعه بتواند تمام اشکال و مضامین شعر اکنون ایتالیا را نمایندگی کند. هیچ ادعایی نیست که این مجموعه لزوماً بایستی کامل تلقی شود. اگرچه مترجم ساختار شعر کلاسیک را می‌شناسد و با اشکال و بازی‌های زبانی در شعر معاصر آشناست اما ادعایی ندارد که در برگردان شعرها نقصی وجود ندارد. فقط یک ادعا را می‌توان داشت: اینکه نهایت تلاش صورت گرفته است.

م. کیایی

1. Alda Merini (1931-2009)



سیلوانو آگوستی
(Silvano Agosti)

www.booka.ir

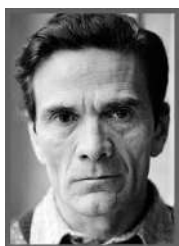
زنان
چون درختانی ناآرام
در هر بهاری
حتی در اشتباهی آن
شکوفا می‌شوند



آنتونلا آندا
(Antonella Anedda)

آیا بر این باوری
گناهگار نبودن
کافیست که تنبیه نشوی
اما تو مقصری!
هوا آکنده از فریاد است
به دیوارها چسبیده‌اند
کافیست به آرامی تکان‌شان بدهی
از آجرها
نفس می‌ریزد و
واژه‌های ریز ریز

نعل اسبان مرده
تصاویر جنگ را در برمی گیرند
پیش از آنکه محو شوند
در آینده‌ای بدون چارچوب
چه چیزی
ما را نسبت به هم سنگدل می‌سازد
چه چیزی
عده‌ای را بی‌رحم‌تر می‌کند
آیا قساوت
تحمل شد و بلعیده شد
و در هیبت تیغی در نیام
بر جسدی زخمی شکل گرفت
شاید سرنوشت ما
با بدی سرشته شده
و زندگی مکث کوتاهی‌ست
که در آن توقف می‌کنیم
برای اینکه نفرت نورزیم
آسیب نزنیم



پیر پائولو پازولینی
(Pier Paul Pasolini)

امروز یکشنبه است
فرداست که مرگ فرا بگیردمان
پیراهنی می پوشم
از جنس ابریشم و عشق
امروز
امروز یکشنبه است
کودکان
با پاهای ظریفشان در کفش
جست و خیزی دارند

سبک‌بال در میان چمنزار
آوازخوان در برابر آیینه
آواز می‌خوانم و مویم را به شانه می‌کشم
می‌خندد در نگاه من
شیطان معصیت‌پندار
طنین افکنید ای ناقوس‌های من
او را به عقب برانید!
«طنین می‌افکنیم اما تو
در چمنزارهایت
آوازخوان به چه خیره گشته‌ای؟»
به آفتاب تابستان‌های مرده می‌نگرم
به باران به برگ‌ها به زنجره‌ها
به جسم خودم می‌نگرم
زمانی که کودکی بودم
به یکشنبه‌های غم‌آلود
به زندگی‌ای که از دست رفته است
امروز تو را
از ابریشم و عشق می‌پوشانند
فرداست که مرگ فرا بگیردمان



وینچنزو کاردارلی
(Vincenzo Cardarelli)

کجاست آشیانه مرغان دریایی
که در آن به آرامش برسند
من نیز چون آنها
پیوسته در پروازم
زندگی را لمس می‌کنم
چون این پرندگان آب را
برای یافتن غذا
شاید من نیز
مانند آنها عاشق آرامشم

آرامش بزرگ دریایی
اما... رخشنده در توفان
محکوم به زیستنم

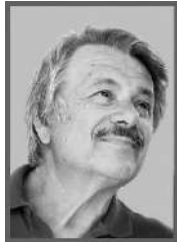
www.booka.ir



رافائل کاریری
(Raffaele Carieri)

www.booka.ir

زنان در اندرون ماندند
چون سایه پرستوها
روی دیوارهای آهک‌اندود
روی اسکله و موج‌شکن
کسی پشت سر کارگران رفته اشکی نریخت



جانکارلو کانسونی
(Giancarlo Consonni)

www.booka.ir

سبک‌بال باش
مانند آن لحظه‌ای
که زندگی تو را تنبیه می‌کند
و کسی نفس می‌کشد به آرامی
که نکند هوا دل‌آزرده شود